

قرآن و خاورشناسان

دکتر زهرا ریاحی زمین
استادیار دانشگاه شیراز

چاپ در فصلنامه بینات، سال یازدهم، شماره 2، تابستان 82

چکیده

قرآن، کتاب دین و زندگی مسلمانان از حدود قرن دوازدهم میلادی مورد توجه خاص دنیای غرب و مسیحیان قرار گرفت. بسیاری از شرق شناسان با نگرشهای مختلف اثباتی یا انکاری به سراغ اسلام و آیین نامه آن، قرآن، آمدند و در این نگرشها به کشفیات تازه ای در شناخت این کتاب الهی دست یافتند. مطالعه پژوهشگران غربی و اغلب غیر مسلمان در قرآن، بیشتر در زمینه های ادبی، علمی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی صورت گرفته است. حاصل این مطالعات و جستجوها دهها کتاب، مقاله و ترجمه همه یا بخشی از قرآن است. برخی از این تحقیقات با برداشتهایی کاملاً صحیح و منطقی از تعالیم اسلام و قرآن همراه است و برخی، عمداً یا سهواً مشتمل بر خطاهایی شده است.

مقدمه

خاورشناسان از دیرباز تحقیقات گسترده ای در زمینه قرآن انجام داده اند. اگر چه پاره ای از این تحقیقات با غرض ورزیهای سیاسی و استعماری و مذهبی همراه بوده و بمنظور خدشه دار کردن حریم قدس اسلام و قرآن و باطل جلوه دادن تعالیم اسلام، همراه با انتقادهای شدید اللحن، صورت گرفته است، اما در بسیاری از این پژوهشها، صرفاً هدفی شناختی وجود داشته و از جنبه علمی و تحقیقی به قرآن نگریسته شده است. این تحقیقات به اعتبار توجه خاصی است که اسلام شناسان غربی به اسلام و در رأس آن قرآن مجید داشته اند. آنان دریافته اند که کتاب قرآن، مسیر زندگی خواص و عوام مسلمانان را در جزیره العرب و دیگر نقاط جهان دگرگون ساخت. به دنبال پاسخگویی به علت و چرایی این امر و بدلیل اهمیت ویژه این کتاب، آنان تلاش کرده اند برای روشن شدن زوایای ارزشمند و چهره تابناک مکتب قرآن در نزد جهان غرب و مسیحیت، پژوهشهایی انجام دهند. در این تلاش، گاهگویی سبقت از شرق و علمای شرقی معاصر نیز ر بوده اند و شرقیان را وادار خود کرده اند.

از این میان فعالیتهایی نظیر بررسی در تاریخ قرآن و علوم قرآنی، ترجمه قرآن، گردآوری، تصحیح و انتشار متون قرآنی و تفاسیر، فهرست بندی قرآنیهای موجود و کتابهای ادبی قرآنی و تفاسیر (المعجمها و فهارس)، تحقیق در الفاظ و مفردات قرآن و واژه های بیگانه در قرآن، قرانات قرآن و شرح زندگی قاریان، تأثر قرآن از سایر ادیان الهی، زبان شناسی عربی در قرآن، بلاغت قرآن، قواعد زبان قرآن، اعجاز قرآن، زندگانی و اندیشه پیامبر (ص) در قرآن، و تحقیقات دیگری نظیر قیامت در قرآن، شرع در قرآن،

انسان در قرآن، قانون در قرآن، طب در قرآن، داستانهایی قرآنی و بسیاری موضوعات دیگر را می‌توان نام برد.

توجه خاورشناسان به قرآن و علوم قرآنی تا بدانجا پیش رفت که حتی در قرن نوزدهم اسلام‌شناسان آلمان اقدام به ایجاد مجمعی به نام «باواری» در شهر «مونخ» کردند که هدف آن گردآوری و انتشار تمامی منابع و آثار مربوط به قرآن و علوم آن و ضبط قرائات قرآنی بود. این مأموریت بی‌نظیر را استاد «برگشترایسر» و پس از او همکار و جانشینش «اتوپریتسل» بر عهده گرفتند¹ و به موفقیت‌هایی نیز نایل شدند. بعضی از تحقیقات دامنه‌دار شرق‌شناسان در زمینه قرآن و علوم قرآنی به زبان‌های مختلف از جمله عربی و فارسی ترجمه شده و در اختیار مسلمانان و اسلام‌پژوهان قرار گرفته؛ اما بسیاری از آنها همچنان ترجمه نشده در دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های غرب، دور از دسترس مسلمین و یا اندیشمندان اسلامی، باقی مانده است و همت مترجمین علاقه‌مند را برای ترجمه و شناساندن آنها به دوستان علوم قرآنی می‌طلبد.

بطور کلی اسلام‌شناسان غربی از چند بعد به اسلام و بالاخص قرآن نگریسته‌اند و آن را مورد نقد و ارزشیابی قرار داده‌اند. در این نقد و نظرها جنبه رد و انکار یا قبول و اثبات از جانب مستشرقین حفظ شده است.

برخی از این پژوهشگران تنها از دیدگاه ادبی به قرآن پرداخته‌اند و نظریات خود را در این زمینه ارائه داده‌اند، برخی قرآن را با دید علمی بررسی نموده‌اند، گروهی قرآن را تنها کتاب سیاست دانسته‌اند؛ بالعکس، پاره‌ای آن را تنها کتاب دینی شناخته‌اند، عده‌ای این کتاب را تألیف خود پیامبر (ص) معرفی کرده‌اند و وحی را رد نموده‌اند، دسته‌ای دیگر قرآن را تقلیدی از دیگر کتب آسمانی نشان داده‌اند، بعضی گفته‌اند این کتاب تحریف شده است و قابل استناد نیست، گروهی تأثیرات قرآن را بر جامعه و ایجاد روح همبستگی و اتحاد بین مسلمین را مورد نظر قرار داده‌اند و بالاخره عده‌ای با اعتراف به جامعیت قرآن در مورد آن سخن گفته‌اند.

آنچه بیش از همه توجه اسلام‌شناسان غربی را به خود معطوف کرده ارزش ادبی قرآن، میزان انطباق قرآن با علوم و درجه فراگیری و جامعیت قرآن است. در این گفتار به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

قرآن و ارزش ادبی:

بعضی از خاورشناسان، قرآن را قطع نظر از جنبه وحیانی آن، تنها یک اثر ادبی ارزنده در ادبیات عرب می‌دانند و از لحاظ ارزش‌های ادبی و زیبایی‌شناسی گفتار بدان می‌نگرند. بسیاری از این افراد با دیدی منصفانه عقاید خود را در باره اعتبار لفظی و معنوی قرآن بیان می‌دارند. از جمله خاورشناس معاصر انگلیسی و استاد دانشگاه کمبریج، «کینت گریک»، صاحب کتاب «قرآن را چگونه شناختم»، می‌گوید:

¹ علی الصغیر، محمد حسین، خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی، ترجمه محمد صادق شریعت، مؤسسه مطبع الفجر، قم، چاپ اول، 1372، ص 74؛ الزنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، مکتبه الصدر، طهران، 1354، ص «ی» مقدمه.

«محتاج تفصیل نیست که قرآن، از لحاظ مذهبی کوچکترین اثر در یک مسیحی اروپایی ندارد و یک خواننده اروپایی، برخلاف مسلمین، قرآن را وحی نمیداند و معتقد نیست که از جانب خداوند برای پیغمبر اسلام نازل شده است. پس اثری که قرآن در یک خواننده اروپایی میکند تأثیری است که کلمات و معانی قرآن در او می‌نماید... یعنی آنها [اروپائیان] در درجه اول، تحت تأثیر کلام قرآن قرار می‌گیرند.»²

این خاورشناس تأثیر قرآن را در مجموعه‌ای از علل می‌داند و به شرح و تفصیل آنها می‌پردازد:

«جاذبه مغناطیسی کلمات قرآن، از یک علت بوجود نمی‌آید بلکه مجموعه‌ای از علل، آن جاذبه مغناطیسی را بوجود می‌آورد. یکی از آنها ردیف کلمات قرآن است و هرگاه آن ردیف، در متن اصلی، برهم بخورد، بر جاذبه مغناطیسی کلمات قرآن لطمه وارد می‌آید. علت دیگر، صرف و نحو عربی است که کادر تمام کلمات قرآن می‌باشد... قرآن از لحاظ قوانین علوم نحو و صرف بدون نقص است و این یکی از چیزهایی است که مسلمانان را قائل میکند که قرآن که می‌تواند اعجاز کند، خود، یک معجزه است... علت سوم سادگی کلمات قرآن، بخصوص در سوره‌های کوتاه آن است... سادگی کلمات و صفت‌ها و تعبیرها و تمثیل‌ها و سوگندها که در قرآن هست، در بین کتب مذهبی، به آن برجستگی می‌دهد... علت دیگر نیروی جاذبه قرآن، ابهت کلام است و این را هم مسلمان‌ها دلیل الهی بودن قرآن میدانند و می‌گویند که اگر قرآن کلام خدا نباشد این چنین دارای ابهت نیست... اسلوب قرآن، نشان می‌دهد که در یک اثر ادبی، می‌توان کمال سادگی را با کمال ابهت، در یک جا جمع کرد و از ادغام آنها چیزی بوجود آورد که امروز هم مانند صدر اسلام از لحاظ اسلوب ادبی، برجسته‌ترین کتاب دینی جهان باشد و بعد از هزار و چهار صد سال رایحه کهنگی از آن به مشام نرسد... علت دیگر که قرآن را برای یک خواننده اروپایی طوری جالب توجه میکند که او را مجذوب می‌نماید نثر ادبی قرآن است که مسلمین آن را عالی‌ترین نثر ادبی در تاریخ ادب جهان می‌دانند و می‌گویند که برتر از آن نیامده و نخواهد آمد زیرا نثر قرآن به عقیده آنها کلام خدا می‌باشد. یک محقق اروپایی و مسیحی، نمی‌تواند قبول کند که نثر ادبی قرآن کلام خدا باشد چون عقیده دینی او، مانع از قبول این موضوع است اما تصدیق می‌کند با این که نثر ادبی یک قسمت از آیات قرآن شعر نیست، در زبان عربی شعری بفصاحت و استحکام و جذبه آنها سروده نشده است و نثر ادبی قسمتی از سوره‌های قرآن از تمام اشعار عرب که قبل از اسلام و بعد از آن سروده شد فصیح‌تر است.»³

می‌بینیم که همه گفته‌های او حکایت از ارزش ادبی فوق‌العاده قرآن و بی‌همال بودن آن در میان آثار منظوم و منثور عربی دارد. یک نکته که در اظهارات «گریگ» و بسیاری از خاورشناسان بخوبی نمایان است مسأله نفوذ فوق‌العاده قرآن در دل حتی غیر مسلمانان است. این آهنگ متوازن و گوش نواز قرآن که ناشی از بلاغت آن است، همه شنوندگان را به اعجاب و تحسین واداشته است. «کارلتون. اس. گون»، مستشرق امریکایی، در این مورد می‌گوید:

² گریگ، کینت، قرآن را چگونه شناختم، ترجمه ذبیح الله منصور، کتابفروشی ایرانیان، صص 25 و 27.
³ قرآن را چگونه شناختم، صص 29-37.

«یکی از مزایای عظیم قرآن، بلاغت آن است. قرآن هنگامی که درست تلاوت شود چه شنونده به لغت عربی آشنایی داشته آن را بفهمد یا نفهمد تأثیر شدیدی در او گذاشته در ذهنش جای‌گیر می‌شود. این مزیت بلاغتی قرآن قابل ترجمه نیست.»⁴

دیگر پژوهندگان غربی اسلام نیز که با سعه صدری در خور به قرآن پرداخته‌اند معترف به این حقیقت هستند که فصاحت و بلاغت قرآن، که آن را به صورت شاهکار بی‌مانند زبان عرب جلوه داده، بسیار اعجاب‌انگیز است. جمال صوری و عظمت معنوی قرآن به نحوی شگرف در دلها نفوذ می‌کند و همه را به تسلیم می‌کشاند. «آرتور آربری»، خاورشناس مشهور انگلیسی و استاد دانشگاه کمبریج و مترجم قرآن مجید به زبان انگلیسی، «رینولد نیکلسن»، استاد عربی آربری و محقق در ادبیات فارسی و عربی و مسلط به هر دو زبان، «پروفیسور آلفرد گیوم»، فارغ التحصیل دانشگاه آکسفورد و استاد زبان عربی در دانشگاه‌های اروپا و خاور میانه، «پارتلمی سنت هیلر»، خاورشناس فرانسوی و «ویل دورانت»، استاد فلسفه و نویسنده امریکایی، از این قبیلند.⁵

«جان دیون پورت»، خاورشناس انگلیسی، در کتاب «عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن»، ضمن اشاره به ارزش ادبی قرآن و وزن و آهنگ اجزاء آن به این مطلب می‌پردازد که:

«قرآن بعنوان نمونه‌ای عالی زبان عربی پذیرفته شده و مملو از درخشانترین اشکال و محکم‌ترین تشبیهات است و با اینکه مبهم و متمایل به بسط و تفصیل است معذک بطور کلی قوی (پرمایه) و عالی است.»⁶

با آنکه این محققین قرآن را مشتمل بر تمام مظاهر زیباشناسی و عاری از هرگونه خلل و ناسازگاری می‌دانند، اما بسیاری از خاورشناسان، که آشنایی کامل و کافی با ادبیات عرب و ظرافتهای کلامی قرآن ندارند، گاهی در تحقیقات خود بر سر قضاوت در مورد ارزش قرآن به بیراهه می‌روند و مسایلی را مطرح می‌کنند که برای علمای ادبیات عرب و سایر قرآن پژوهان قابل پذیرش نیست؛ به عنوان مثال، «توماس کارلایل»، دانشمند معروف انگلیسی که در میان خاورشناسان به انصاف و واقع‌نگری شهرت یافته است، قرآن را کتابی مشکل و پر زحمت و بدون نظم می‌داند⁷، «کارل بروکلمان»، استاد بسیاری زبانهای شرقی دانشگاه‌های آلمان و صاحب کتاب «تاریخ ادبیات عرب»، اسلوب قرآن را شبیه سجع کهن جزیره العرب می‌داند و به این اعتبار، ارزش بلاغی چشمگیری برای آن قائل نمی‌شود⁸، «جان برتون» انگلیسی آن را حاوی اغلاط لغوی متعددی می‌داند که حتی عثمان هم هنگام جمع‌آوری قرآن متوجه آنها شده؛ اما دستور داده است که همچنان حفظ

⁴ کارلتون، اس. گون، القافله، ترجمه برهان دجانی، ص 150 بنقل از آل اسحق خونینی، علی، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، اردیبهشت 1370، ص 551.

⁵ سلماسی زاده، جواد، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ اول، 1369، صص 35-66؛ گیوم، آلفرد، کتاب الاسلام، بنقل از اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، ص 381؛ دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات اقبال، مرداد 1343، ج 4، ص 37.

⁶ دیون پورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، دارالتبلیغ اسلامی، قم، ص 91.

⁷ تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ص 24.

⁸ بروکلمان، کارل، تاریخ الادب العربی، ترجمه عربی الدكتور عبدالحلیم النجار، دارالمعارف بمصر، الطبعة الثانية، 1919، ج 1، ص 134.

شوند و اعراب هنگام قرائت آنها را اصلاح کنند (!)⁹ ، «جیمز. ا. بلامی» امریکایی و استاد دانشگاه «میشیگان»، چند پیشنهاد برای اصلاح متن مغلوپ قرآن (!) می‌دهد و معتقد است که غالب محققین غربی نیز همچون مفسران مسلمان از اصلاح متن قرآن طفره رفته‌اند¹⁰ ، «گلدزیهر»، خاورشناس یهودی مجاری و استاد زبانهای عربی و سامی و محقق در زمینه ادیان و مذاهب، علاوه بر اعتقاد به تقارن سبک قرآن با سجع کُهان، پا را فراتر گذاشته، نثر قرآن را در برخی سوره بسیار سست و فاقد ارزش ادبی و در حد یک نثر معمولی دانسته است و بنابراین، معتقد به وجود دوگانگی سبک بیان و انشای قرآن در آیات مکی و مدنی گردیده است.¹¹

«شیخ محمد غزالی»، دانشمند معاصر مصری، در پاسخ به ادعا و انتقاد گلدزیهر، مبنی بر تفاوت ارزش بلاغی سوره‌های مکی و مدنی و دوگانگی آنها، چنین می‌نویسد:

«از این بیان چنین برمی‌آید که این مرد نمی‌فهمد که تفاوت مطالب و اختلاف معانی مقتضی تنوع و تفاوت در بیان آن مطالب و اداء آن معانیست، چنانکه وقتی موضوع یک آیه فی‌المثل تقسیم میراث باشد ممکن نیست که عبارت آیه اسلوبی عاطفی و شور و حرارتی حماسی داشته باشد و با همان هیجانی که در وصف احوال قیامت و بمنظور رام کردن غرائز سرکش بکار رفته پرداخته شود. و همچنین سخن در باره مجد و جلال خدا از خلال تأمل در عظمت آفرینش مقتضی اسلوبی غیر از اسلوب بیان احکام ازدواج و طلاقست. و بلاغت - چنانکه در تعریف علماء ادب آمده - همانا رعایت مقتضای حالست، و از اینجا معلوم می‌شود که خرده گرفتن نسبت ببلاغت بعضی از آیات قرآن، بجهت اینکه این بعض شورانگیز و تکان دهنده نیست، سخنی یاوه و ادعائی گزافست.»¹²

گاهی کار قضاوت‌های غلط و تحقیقات سطحی‌نگر محققین غیر مسلمان قرآن چنان بالا می‌گیرد که حتی سبب می‌شود خاورشناسی چون «تئودور نولدکه»، پیر خاورشناسان آلمانی، که در میان مستشرقین زمان خود از جهت شناخت کامل سه زبان عربی، سریانی و عبری و ادبیات یونانی، وحید روزگار است، ساختار قرآن را به اعتبار ساخت قصصی و فاقد تسلسل در طریقه اخبار و سیر، مورد انتقاد قرار دهد و بگوید: «قصص قرآن از هم گسسته است تا آنجا که فهم آنها بر کسی که این قصه‌ها را از منابع دیگر اخذ نکرده باشد، دشوار می‌نماید.»¹³ و بر تکرارها و انتقال خطابه‌های قرآن خرده بگیرد.

اما همین شخص، پس از دقت و بررسی بیشتر در قرآن، به این نکته می‌رسد که: «دقایق بلاغت و حقایق فصاحت‌آمیز قرآن ذهن مؤمنان را از معقولات متوجه تخیلاتی می‌نماید که بدون انس کافی با زبان عربی درک آن محال است. کلمات قرآن چنان

9 Burton. John. Linguistic Errors in the Quran. Journal of Semitic Studies. Oxford. England. 1988 Autumn. 33:2. PP.181-196.

10 Bellamy. James.A. Some Proposed Emendations to the Text of Koran. Journal of the American Oriental Society. 1993Oct-Des. 113:4. PP.563-573.

¹¹ گلدزیهر، درسهایی در باره اسلام، ترجمه دکتر علی‌نقی منزوی، انتشارات کمانگیر، تهران، چاپ دوم، اسفند 1357، صص 18-27.

¹² غزالی مصری، محمد، محاکمة گلدزیهر صهیونیست، ترجمه صدر بلاغی، انتشارات حسینییه ارشاد، زمستان 1363، صص 40-41.

¹³ خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی، ص 37.

خوب بهم پیوسته که استماع آن از لحاظ هم‌آهنگی و روانی، گویی نغمه فرشتگان است، جان مؤمنان را به شور می‌آورد و قلب آنان را مالمال از وجد و طرب می‌ساخت...»¹⁴
وظیفه پاسخگویی به ایرادهای اولیه «نولدکه» را استاد «انیس المقدسی» عهده‌دار شده و گفته است:

«انصاف است که بگوییم نولدکه در نقد اسلوب قرآنی به خطا رفته است زیرا روا نیست که اسلوب قصه در قرآن با اسلوب قصه در تورات مقابل یکدیگر قرار گیرد، چه هدف و غرض از قصه در این دو کتاب متفاوت است. در تورات علاوه بر اسفار پیامبران و امثال و سرودهای روحانی معنوی، رویدادهای منظم تاریخی نیز ذکر شده که به طریق واضح و معمولی از آنها خبر داده شده است؛ اما قرآن در ضمن اشاره به رویداد و حادثه‌ای، قصد تذکیر و تهویل و ترساندن دارد و به همین دلیل این داستانه‌ها به حسب اقتضای کلام، تکرار می‌شود و بسیار اتفاق می‌افتد که قرآن به شیوه اشاره و تلمیح به روایت این اخبار می‌پردازد و همانگونه که معروف است روش خطابی، اقتضای تکرار می‌کند. و اما درک حقیقت التفات که نوعی از بلاغت عربی است برای غیر عربی‌زبانان و غیر آگاهان به اسرار این زبان دشوار است.»¹⁵

سخن در باره ارزش ادبی و بلاغی قرآن زیاد است و تفاوت دیدگاهها فراوان؛ اما آنچه همه یا اکثر خاورشناسان آن را پذیرفته‌اند و بدان معترفند، تأثیر قرآن بر ادبیات عرب و تکامل ادب عربی بخاطر تماس با قرآن است که بر کسی پوشیده نیست. «دکتر توشی هیکو ایزوتسو»، پژوهشگر معاصر ژاپنی، و «کینت گریک»، محقق انگلیسی، اعتقاد دارند که زبان عربی در طول چهارده قرن، از نفوذ و اثر قرآنی بشدت متأثر شده و از چشمه سرشار قرآن سیراب گشته است.¹⁶

«پطروشفسکی» در کتاب «اسلام در ایران»، در این باره چنین می‌گوید:

«قرآن در محیط اسلامی همچون اثری ادبی که نظیر و همانند ندارد شناخته شد. و گرچه موازین و قواعد زبان عربی در تحت تأثیر منظومات و اشعار اعراب زمان جاهلیت - پیش از اسلام - مکنون گشته بوده، مع هذا قرآن در تکامل بعدی آن زبان بسیار مؤثر بوده است.»¹⁷

از نتایج بسیار سودمند این تأثیر، آنگونه که «فیلیپ. ک. حتی» می‌گوید، اتحاد و یکی شدن لهجه‌های مختلف قبایل عرب زبان به برکت وجود قرآن است.¹⁸

همین تأثیرات عمیق 1400 ساله قرآن بر نظم و نثر عربی، حکایت از اعجاز قرآن می‌کند که برخی از مستشرقین از جمله «امیل درمینگهام»، خاورشناس فرانسوی، «جان دیون پورت» و «دکتر هنری استیپ» و دیگران را نیز به اعتراف و اداشته است.¹⁹ معجزه

¹⁴ تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ص 58.

¹⁵ انیس المقدسی، تطور الاسالیب النثرية في الادب العربي، دار العلم للملايين، بیروت، الطبعة الرابعة، 1968، ص 61.

¹⁶ ایزوتسو، توشی هیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، 1373، ص 43؛ قرآن را چگونه شناختم، ص 33.

¹⁷ ای. پ. پطروشفسکی، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران، 1350، ص 113.

¹⁸ حتی، فیلیپ، تاریخ العرب، دارالکتاب، 1958، ج 1، ص 175.

¹⁹ اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، صص 281 و 598؛ عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن، صص 92-93.

جاویدانی که به قول «دیس ریه بلانسیه»، خاورشناس معاصر، همه را درین بست عجز بهت زده کرده و تمام درهای امید را به رویشان بسته است.²⁰

قرآن و علم:

یکی دیگر از ابعاد قرآن که مورد بررسی دانشمندان اسلام‌شناس قرار گرفته است، مسأله همگامی آن با علوم و معارف روز می‌باشد. اسلام و مسلمین هرگز چنین ادعایی نداشته‌اند که قرآن یک کتاب صرفاً علمی است و حتی برخی همچون «دکتر محمد کامل حسین مصری»، از قرآن شناسان مصر، کوشش برخی از مفسران را که تلاش کرده‌اند بین قرآن و پیشرفتهای علمی و تکنولوژیکی معاصر پیوندی برقرار کنند و نشان دهند که همه علوم و دانشها را قرآن پیشگویی کرده، و سواسی مغایر با روح قرآن می‌دانند.²¹ با این حال، برخی معتقدند داده‌های مبهم قرآن با کشفیاتی که در رشته‌های مختلف علوم صورت می‌گیرد قابل حل و رفع است. «مارسل بوآزار»، خاورشناس فرانسوی، در کتاب خود «اسلام و جهان امروز» چنین می‌گوید:

«قرآن اثری فنی نیست، بلکه جوهر و ذات آن نزدیک به علم است. قرآن همیشه اثر ادبی، کامل و بی‌نظیر در همه اعصار بوده است و خواهد بود. با این حال از گذشته نزدیکی نیز از جهت علمی به معنای محدود کلمه، مورد تحلیل قرار گرفته است و کشفیات حاصله به نظر استثنایی می‌رسد. و این از «معجزات» عظیم «قرآن» پرده برمی‌دارد. کتاب قرآن کریم مملو از داده‌ها و اطلاعاتی است که فهم و صحت آن ممکن نگشته است، آلا به کشفیات معاصر: ژنتیک، نجوم، فیزیک، زیست‌شناسی، پزشکی، کیهان‌شناسی و غیره.»²²

بعضی حتی با ابزار فنی و الکترونیک و با استفاده از معلومات کامپیوتری دست به تحلیلهایی زده نظم عددی کاملی را در قرآن یافته‌اند. مثلاً با محاسبات بسیار دقیق ثابت کرده‌اند که همه چیز در قرآن اعم از تعداد آیات، سوره‌ها، کلمات، حروف، تکرارها، ... مضربی از دو عدد اول 7 و 19 هستند و این نظم در سر تا سر قرآن به چشم می‌خورد. البته آنان که به قرآن به عنوان یک کتاب الهی می‌نگرند، این نظم عددی را به «اعجاز عددی قرآن» تعبیر کرده‌اند و آنان که قرآن را کتابی ارزشمند و غیر وحیانی می‌دانند از این کشف، به عنوان رابطه دقیق و جالب قرآن با علوم ریاضی و آماری یاد می‌کنند.

«مارسل بوآزار» ضمن آوردن نمونه‌ای از این محاسبات می‌گوید:

«ازین تحلیل ریاضی نباید نتایج شتاب زده و اشتباه استنتاج کرد. قرآن نوشته مقدسی است که اعجاز آن بر حسب اعتقاد مسلمانها در انسجام و غیر قابل تقلید بودن آن است، با این حال اشاره مختصری به این تلقی اطلاعاتی، بی‌آنکه خصلت اسطوره‌ای یا غیر آن برای آن قائل شویم، نیز جالب است.»²³

به هر جهت، با آنکه مسلمانان معتقدند در مکتب اسلام هیچ گاه علم و دین مغایر و متضاد با هم نبوده‌اند و بسیاری از دانشمندان منصف غرب نیز این حقیقت را پذیرفته‌اند؛

²⁰ بلانسیه، دیس ریه، هذا هو الاسلام، ص 88 بنقل از اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، ص 596.

²¹ قرآن را چگونه شناختم، صص 208-209.

²² بوآزار، مارسل، اسلام و جهان امروز، ترجمه مسعود محمدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1369،

ص 156.

²³ همان، ص 156.

اما همانگونه که «دکتر موریس بوکای» پزشک جراح و محقق فرانسوی هم می‌گوید در جوامع غربی عقیده باطلی وجود دارد مبنی بر اینکه «اسلام» «دین» منجمدی است که معتقدانش را در قرون وسطای بسر آمده نگاه می‌دارد و آنها را برای انطباق با پیروزیهای فنی عصر جدید نا مستعد می‌سازد.²⁴

این عقیده باطل را به عنوان مثال، در خطابه افتتاحیه «ارنست رنان» نویسنده و مورخ فرانسوی در «کالج دو فرانس» با عنوان «سهم خلقهای سامی در تاریخ تمدن» که در تاریخ 23 فوریه 1862 ایراد کرده می‌بینیم؛ آنجا که می‌گوید: «اسلام کاملترین آنتی تزاروپاست؛ اسلام تعصب است؛ اسلام تحقیر علم است؛ نفی جامعه مدنی است؛ ساده‌انگاری وحشتناک روحیه سامی است، که مغز انسانی را در تنگنا [قرار می‌دهد] و راه آن را به هر ایده ظریف، به هر احساس لطیف و به هر تحقیق عقلانی می‌بندد تا به این توضیح واضح برسد که: «خدا خداست».²⁵

افرادی چون «ارنست رنان» و هم عقیده‌هایی او مطمئناً از خردگرایی و عقلانی بودن قرآن و توصیه‌های مکرر و اکید آن بر تدبر، تعقل، تفکر، بصیرت، نگرستن و نظر در آفرینش و بسیاری سفارشهای دیگر قرآن و پیامبر (ص) که همه با موضوع علم و دانش انطباق و سازگاری دارد، بی‌اطلاع بوده‌اند و همین ناآگاهی و سطحی‌نگری منجر به قضاوت غلط و ناعادلانه آنها در مورد اسلام شده است.

قرآن و جامعیت:

بحث دیگری که در میان مستشرقین رواج یافته مسأله اشتمال قرآن بر همه مسایل ضروری و مورد نیاز حیات بشر است. در این مسأله هم اختلاف نظرها زیاد است. بعضی را اعتقاد بر آن است که قرآن تنها یک زندگینامه خصوصی است.²⁶ مؤلف کتاب «شرق‌شناسی» در همین مورد بنقل از «شاتوبریان»، نویسنده و سیاح مشهور فرانسوی، می‌نویسد: «قرآن کتاب [زندگی] حضرت [محمد(ص)] بود که شامل «هیچ اصلی از اصول تمدن و یا دستوری که بتواند شخصیت افراد را تعالی بخشد نبود».²⁷ عده‌ای از جمله «دکتر موریس بوکای» معتقدند قرآن تنها، کتابی با هدفی دینی است:

«قرآن کتابی نیست که هدفش تقریر برخی قوانین حاکم بر جهان باشد، بلکه هدف دینی اساسی دارد. بویژه در مورد توصیفهای قدرت مطلقه‌ی خداوند که در آنها انسانها به تفکر در باره‌ی کارهای آفرینش فرا خوانده شده‌اند».²⁸

²⁴ بوکای، موریس، مقایسه‌ای میان: تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ ششم، 1374، ص 159.

²⁵ اسلام و جهان امروز، ص 27.

²⁶ دایرة المعارف اونیورسالیس، ج 6، ماده اناجیل بنقل از تورات، انجیل، قرآن و علم، ص 154.

²⁷ مجموعه آثار شاتو بریان، ج 2، ص 702 بنقل از ادوارد سعید، شرق شناسی، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1371، ص 311.

²⁸ تورات، انجیل، قرآن و علم، ص 168.

در مقابل بعضی می‌گویند این کتاب تنها یک کتاب سیاسی است. «کوسن دو پرسوال»، خاورشناس فرانسوی و استاد کالج «دو فرانس»، آشنا به زبانهای شرقی، به این اصل معتقد است و می‌گوید:

«عربها توسط [حضرت] محمد(ص) به شکل یک جماعت مردمی درآمدند، و اسلام اساساً یک ابزار سیاسی است و نه اصلاً روحانی.»²⁹ براساس عقیده دیگر که از جانب «گلدزیهر» مطرح شده، قرآن نه یک کتاب کاملاً سیاسی و نه یک اثر کاملاً دینی معرفی گردیده است. «گلدزیهر» می‌گوید از نظر سیاسی قرآن «جز در بیست سال اول نشو و نماي اسلام، بر آن حکومت نکرده است.»³⁰ و از دیدگاه مذهبی «دشوار است که از خود قرآن بتوان یک مذهب اعتقادی، یک پارچه، هماهنگ، بی‌تناقض بدست آورد. او از آموزشهای مهم دین، جز کلیاتی مبهم بما نمی‌دهد.»³¹

در مقابل همه این ناقص انگاریها، بعضی از همین مستشرقین به جامعیت قرآن اعتراف کرده‌اند و بر آن تأکید نموده‌اند.

«جان دیون پورت» بنقل از «گیبون» می‌نویسد:

«از اقیانوس اطلس تا کنار رود گنگ قرآن نه فقط قانون فقهی شناخته شده است بلکه قانون اساسی، شامل رویه قضایی، و نظامات مدنی، و جزائی حاوی قوانینی است که تمام عملیات و امور مالی بشر را اداره می‌کند و همه این امور که بموجب احکام ثابت و لا یتغیری انجام می‌شود ناشی از اراده خدا، و... بعبارت دیگر قرآن دستور عمومی و قانون اساسی مسلمین است. دستوری است شامل مجموعه قوانین دینی، و اجتماعی، و مدنی، و تجاری، و نظامی، و قضایی، و جنایی و جزائی. همین مجموعه قوانین از تکالیف زندگی روزانه تا تشریفات دینی از تزکیه نفس، تا حفظ بدن و بهداشت، و از حقوق عمومی تا حقوق فردی، و از منافع فردی تا منافع عمومی، و از اخلاقیات تا جنایات و از عذاب تا مکافات این جهان، تا عذاب و مکافات جهان آینده همه را در بر دارد.»³²

خود «دیون پورت» نیز این عقیده را تأیید می‌کند و می‌گوید:

«قرآن مانند اناجیل نیست که فقط بعنوان میزان و شاخصی در باره عقائد دینی و عبادت و عمل پیروان آن شناخته شده است بلکه دارای مکتب و روش سیاسی نیز هست. زیرا تخت و تاج یا به تعبیر دیگر اساس دستگاه و سازمان سیاسی روی این شالوده ریخته شده است و هر نوع قانون برای اداره امور کشور از این منبع گرفته می‌شود. و بالاخره کلیه مسائل حیاتی و مالی با اجازه همین منبع و مصدر قانونگذاری حل و تصفیه می‌شود.»³³

از دیگر معتقدین به جامعیت قرآن، اندیشمند و فیلسوف متفکر معاصر فرانسوی «روژه گارودی» را می‌توان نام برد. او که پس از عضویت در حزب کمونیست فرانسه و اعتقاد به آیین مسیحیت، به اسلام روی آورده و نام اسلامی «رجاء» را برای خود

²⁹ رساله ای در تاریخ اعراب قبل از اسلام تادوره [حضرت] محمد(ص)، اتریش، 1967، ج3، صص 332-339
بنقل از شرق شناسی، ص275.

³⁰ درسهایی در باره اسلام، ص42.

³¹ همان، ص155.

³² عذر تقصیر به پیشگاه محمد(ص) و قرآن، صص 98 و 99.

³³ همان، ص99.

برگزیده است، در کتاب «هشدار به زندگان» به مسأله فراگیر بودن قرآن و اسلام اشاره می‌کند.³⁴ «کینت گریک» و «گوستاولوبون»، محقق و شرق شناس فرانسوی، نیز همچون «گارودی» و دیگران اقتدار و جامعیت قرآن و اسلام را می‌پذیرند و در پی اثبات آن، دلایلی ذکر می‌کنند.³⁵

پیش از آنکه به بحث خود در زمینه برداشتهای مختلف غربیان از قرآن خاتمه دهیم، لازم است به یک نکته بسیار مهم اشاره نماییم و آن، علل مخالفت‌های بعضی پژوهشگران غیر مسلمان با اسلام و قرآن است. این مخالفت‌ها که عمری به قدمت حیات اسلام دارد، گاهی تنها به این دلیل بوده که اسلام به عنوان دینی برتر در مقابل دیگر ادیان قد علم کرده و خود نشان داده است. بنابراین هر کس با آن مخالفت می‌ورزیده، مورد قبول جامعه متعصب اروپا و بخصوص مسیحیت واقع می‌شده است.

«دکتر بوکای» در این باره می‌نویسد:

«هر گونه دشمنی با اسلام، حتی ناشی از جانب مخالفان شناخته شده‌ی مسیحیت، در برهه‌ای از زمان، مقبولیت گرم مقامات عالی‌رتبه‌ی کلیسای کاتولیک را دریافت.»³⁶ و گاهی این مخالفت‌ها بدلیل تحریف‌ها و قلب واقعیت‌های اسلام از جانب برخی مسیحیان مغرض بوده است.

«نورمن دانیل» می‌گوید:

«تمایل تغییرناپذیر در زمینه چشم پوشیدن از آنچه که قرآن معنا می‌دهد،... الزاماً متضمن این معناست که نظریه‌های قرآنی و یا سایر نظریه‌های اسلامی به صورتی پرداخته و عرضه می‌شد که مسیحیان را متقاعد نماید... تمایل بسیار کمی وجود داشت که آنچه مسلمانان در زمینه اعتقاد خود می‌گفتند واقعاً به عنوان اعتقاد آنها پذیرفته شود.»³⁷

و زمانی نیز، مخالفت به علت عدم درک صحیح از اسلام بوده است. «مارسل بوآزار» در این باره می‌گوید:

«علل عدم درک اسلام توسط غرب متعدد و پیچیده است. این علل عمدتاً بر انگیزه‌های مذهبی، تاریخی، روانی، فرهنگی و آموزشی استوار بوده است.»³⁸ اما سرانجام حقیقت اسلام بطور نسبی خود را بر جامعه غرب آشکار می‌کند و موجب شگفتی می‌گردد و نویسندة محقق‌ی چون «مارسل بوآزار» فرانسوی را بر آن می‌دارد که بگوید: «عجیب آنکه در قرن روشنایی‌ها بود که سیمای اسلام مثبت‌ترین تصویر را ارائه داد.»³⁹

³⁴ گارودی، روزه، هشدار به زندگان، ترجمه علی اکبر کسمایی، انتشارات هاشمی، چاپ دوم، زمستان 1364، ص 264.

³⁵ قرآن را چگونه شناختم، ص 222؛ لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، کتابفروشی اسلامیة، چاپ سوم، 1358، ص 539.

³⁶ تورات، انجیل، قرآن و علم، ص 155 پاورقی.

37 Daniel. Norman. Islam and the West(the making of an Image). Edingburgh. 1962.PP.259-260.

³⁸ اسلام و جهان امروز، ص 11

³⁹ همان، ص 12.

کتابنامه

- 1- آل اسحق خونینی، علی، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، اردیبهشت 1370.
- 2- ادوارد سعید، شرق شناسی، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1371.
- 3- الزنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، مکتبه الصدر، طهران، 1354.
- 4- انیس المقدسی، تطور الاسالیب النثریة فی الادب العربی، دارالعلم للملایین، بیروت، الطبعة الرابعة، 1968.
- 5- ای. پی. پطروشفسکی، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران، 1350.
- 6- ایزوتسو، توشی هیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، 1373.
- 7- بروکلیمان، کارل، تاریخ الادب العربی، ترجمه عربی الدكتور عبدالحلیم النجار، دارالمعارف بمصر، الطبعة الثانية، 1919.
- 8- بوآزار، مارسل، اسلام و جهان امروز، ترجمه مسعود محمدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1369.
- 9- بوکای، موریس، مقایسه ای میان: تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ ششم، 1374.
- 10- حتی، فیلیپ، تاریخ العرب، دارالکتاب، 1958.
- 11- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات اقبال، مرداد 1343.
- 12- دیون پورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد(ص) و قرآن، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، دارالتبلیغ اسلامی، قم.

اصطلاح «قرن روشنایی ها» برگرفته از جمله «سنت آگوستین قدیس»، کشیش مسیحی و از مشهورترین آباي کلیسای لاتینی است: «اکنون ما دیگر در قلب «قرن انوار» هستیم.»، این جمله را «جورج سیل» در حاشیه ترجمه خود از قرآن کریم آورده است.

- 13- سلماسي زاده، جواد، تاريخ ترجمة قرآن در جهان، انتشارات امير كبير، تهران، چاپ اول، 1369.
- 14- علي الصغير، محمد حسين، خاورشناسان و پژوهشهاي قرآني، ترجمه محمد صادق شريعت، مؤسسه مطلع الفجر، قم، چاپ اول، 1372.
- 15- غزالي مصري، محمد، محاكمة گلدزيهر صهيونيست، ترجمه صدر بلاغي، انتشارات حسينية ارشاد، زمستان 1363.
- 16- گارودي، روزبه، هشدار به زندگان، ترجمه علي اكبر كسمايي، انتشارات هاشمي، چاپ دوم، زمستان 1364.
- 17- گريك، كينت، قرآن را چگونه شناختم، ترجمه ذبيح الله منصوري، كتابفروشي ايرانيان.
- 18- گلدزيهر، درسهايي در باره اسلام، ترجمه دكتور عينيقي منزوي، انتشارات كمانگير، تهران، چاپ دوم، اسفند 1357.
- 19- لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سيد هاشم حسيني، كتابفروشي اسلاميه، چاپ سوم، 1358.

20- Bellamy. James.A. Some Proposed Emendations to the Text of Koran. Journal of the American Oriental Society. 1993Oct-Des. 113:4.

21- Burton. John. Linguistic Errors in the Quran. Journal of Semitic Studies. Oxford. England. 1988 Autumn. 33:2.

22- Daniel. Norman. Islam and the West(the making of an Image). Edingburgh. 1962.